



سالنامه علمی - پژوهشی
سال هشتم، شماره ۸، سال ۱۴۰۴

تبارشناسی ارزیابی‌های متعارض رجالی:

واکاوی علل تضعیف‌های ابن غضائری در تقابل با توثیق‌های شیخ طوسی^۱

_____ مهدی اکبرنژاد^۲، عبدالله اسفندیاری^۳ _____

چکیده

تعارضات عمیق رجالی میان ابن غضائری و شیخ طوسی، همواره یکی از چالش‌های پیچیده در اعتبارسنجی میراث حدیثی شیعه بوده است. پژوهش پیش رو با عبور از تحلیل‌های رایج توصیفی و با بهره‌گیری از روش «توصیفی-تحلیلی» و رویکرد «تبارشناختی»، به واکاوی ریشه‌های معرفتی این تقابل در بستر مکتب بغداد می‌پردازد. نوآوری بنیادین این پژوهش، گذار از تقلیل این اختلافات به سلیقه‌های فردی و ارائه یک «الگوی تبیینی-تبارشناسانه» است؛ الگویی که نشان می‌دهد تقابل مذکور، بازتابی از نزاع ساختاری میان دو

تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۴/۲۹
m.akbarnezhad@ilam.ac.ir
ab1355es@gmail.com

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۲۸
۲. استاد گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)
۳. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث

کلان‌گفتمان «پالایش‌گری عقیدتی» و «احتیاط‌گرایی فقهی» است. یافته‌ها حاکی از آن است که ابن‌غضائری با اولویت‌دهی به «کلام»، استراتژی «سخت‌گیری در برابر غلو» را با هدف خلوص ایمانی دنبال می‌کرد؛ در حالی که شیخ طوسی با رویکردی «مصلحت‌گرایانه و فقه‌محور»، استراتژی «حفظ انسجام و میراث روایی» را در پیش گرفت. همچنین پژوهش حاضر تبیین می‌کند که چگونه ابهامات متنی نظیر انتساب کتاب الضعفاء و ناتمام ماندن رجال طوسی، به‌مثابه عوامل تشدیدکننده، بر این شکاف روش‌شناختی دامن زده‌اند. در نهایت، این مقاله با اثبات وجود دو مکتب مستقل در سامانه رجالی متقدمان، نقشه راهی نوین برای ترجیح‌گذاری اجتهادی در رویارویی با توثیقات و تضعیفات متعارض، پیش روی فقیهان و پژوهشگران قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: ابن‌غضائری، شیخ طوسی، تعارض رجالی، تبارشناسی، مکتب بغداد.

مقدمه

علم رجال امامیه، از قرون نخستین تا تثبیت ساختار آن در سده‌های چهارم و پنجم هجری، مهم‌ترین سازوکار اعتبارسنجی میراث حدیثی شیعه بوده است. داوری‌های رجالی نه صرفاً گزارش احوال راویان، بلکه تعیین‌کننده میزان حجیت روایات و در نتیجه، مؤثر در فرآیند استنباط فقهی و تکوین نظام معرفتی امامیه بوده‌اند. از این رو، اختلاف در معیارهای جرح و تعدیل، صرفاً اختلافی فردی تلقی نمی‌شود، بلکه می‌تواند بازتاب تفاوت در مبانی معرفتی و رویکردهای روشی باشد.

در میان رجالیان مکتب بغداد، دو چهره اثرگذار - یعنی ابن‌غضائری و شیخ طوسی - نمونه شاخصی از این تفاوت روشی را نمایندگی می‌کنند. بررسی موارد اختلاف آنان در ارزیابی روایانی چون سهل بن زیاد، محمد بن سنان، جعفر بن محمد بن مالک و احمد بن محمد بن خالد برقی نشان می‌دهد که تعارض میان تضعیف‌های نخستین و توثیق‌های دومین، محدود به اختلاف در اطلاعات رجالی نیست، بلکه با الگوهای متفاوتی در تلقی از «وثاقت» و «انحراف اعتقادی» پیوند دارد.

به‌نظر می‌رسد ابن‌غضائری در داوری‌های خود، مؤلفه‌های کلامی - به‌ویژه نسبت راوی با غلو و انحرافات اعتقادی - را در تعیین وثاقت نقشی تعیین‌کننده می‌داند؛ در حالی که شیخ

چهارم
پژوهش‌ها

سال هشتم شماره ۸ سال ۱۴۰۴

طوسی، با لحاظ کارکرد فقهی روایت و ضرورت صیانت از انسجام میراث حدیثی، در برخی موارد از سخت‌گیری‌های مبتنی بر داوری اعتقادی پرهیز کرده است. مسئله اساسی آن است که آیا این تفاوت‌ها را باید به اختلاف سلیقه فردی فروکاست، یا با دو منطق متمایز در رجال‌نگاری امامیه روبه‌رویم؟

پیشینه پژوهش در این زمینه نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات موجود، به مقایسه توصیفی روش رجالیان متقدم محدود مانده‌اند. برای نمونه، جلالی و رباطی (۱۳۹۵) به بررسی تطبیقی الفاظ جرح و تعدیل در آثار ابن‌غضائری، شیخ طوسی و نجاشی پرداخته‌اند و صرامی (۱۳۹۱) مسئله تعارض مکاتب قم و بغداد را در چارچوب مبانی حجیت تحلیل کرده است. صعیدی (۱۴۲۱ق) در «منهج النقدي عند المتقدمين من المحدثين» تحول تاریخی منهج نقد را بررسی کرده است. در آثار جدیدتر، لواسانی در کتاب «نقش باورهای کلامی در داوری رجالیان متقدم» بر پیوند گرایش‌های اعتقادی و داوری رجالی تأکید کرده و قاسم‌پور در مقاله «مقایسه دیدگاه‌های رجالی ابن‌غضائری و نجاشی» به تحلیل مبانی کلامی اختلاف پرداخته است. با این حال، این پژوهش‌ها یا به سطح توصیف اختلافات محدود مانده‌اند، یا تحلیل مبانی را به‌صورت موردی دنبال کرده‌اند و از صورت‌بندی یک الگوی تبیینی جامع برای اختلاف ابن‌غضائری و شیخ طوسی غفلت کرده‌اند.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که تعارض میان تضعیف‌های ابن‌غضائری و توثیق‌های شیخ طوسی از چه مبانی معرفتی، کلامی و تاریخی ناشی می‌شود و این تعارض چه نقشی در تحول منهج رجالی امامیه داشته است؟ فرضیه تحقیق آن است که اختلاف مزبور بازتاب تقابل دو منطق متمایز در رجال‌نگاری بغداد است: منطق «پالایش اعتقادی» که صیانت از خلوص ایمانی روایت را بر کارکرد فقهی آن مقدم می‌دارد، و منطق «احتیاط فقهی» که حفظ میراث روایی و کارآمدی فقهی آن را در اولویت قرار می‌دهد.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر رویکرد تبارشناختی، داده‌های رجالی قرون چهارم و پنجم را مستقیماً از منابع اصلی استخراج و در قالب تحلیل تطبیقی نظام‌مند بررسی کرده است. مطالعه موردی راویان مورد اختلاف، امکان بازسازی منطق درونی هر یک از دو رویکرد را فراهم می‌سازد. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با عبور از سطح توصیف اختلافات، به تبیین

ساختار معرفتی پشتیبان این تعارض‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد که اختلاف یادشده را باید در چارچوب تحولات درونی مکتب بغداد و تنش میان دو اولویت «صیانت اعتقادی» و «انسجام فقهی» تحلیل کرد.

تعریف تعارض رجالی در متون متقدمان و اهمیت محوری آن

دانش رجال شیعه، که در پی شناخت دقیق هویت راویان و تعیین میزان وثاقت و اعتماد به آنان در حوزه نقل حدیث است، از بدو تدوین، با معضل تعارض در ارزیابی‌ها روبه‌رو بوده است.^۱ مفهوم «جرح و تعدیل» که هدف نهایی‌اش رسیدن به حکم «توثیق» (اعتماد) یا «تضعیف» (عدم اعتماد) است، در آثار رجالیان متقدم، به‌ویژه در قرن چهارم و پنجم هجری، تفاوت‌های فاحشی را نشان می‌دهد.^۲ این دوره، یعنی عصر تدوین اصول خمسۀ رجالی (رجال کشی، رجال ابن‌غضائری، رجال شیخ طوسی، فهرست شیخ طوسی و فهرست نجاشی)، دورۀ شکل‌گیری قواعد اصلی ارزیابی راویان بود.^۳

تعارضات رجالی میان این پیش‌گامان، خصوصاً تقابل باورهای ابن‌غضائری و شیخ طوسی، یک چالش محوری و بنیادین برای پژوهش‌گران حدیث در طول تاریخ باقی مانده است. این تعارضات نه صرفاً اختلاف نظر، بلکه بازتاب‌دهندۀ تفاوت‌های عمیق در روش‌شناسی، اولویت‌های کلامی و فقهی، و حتی انگیزه‌های تدوین آثار بوده است. به عنوان مثال، در مواردی مانند «سهل بن زیاد آدمی» یا «جعفر بن محمد بن مالک»، مشاهده می‌شود که یک عالم به صراحت حکم به تضعیف می‌دهد، در حالی که دیگری همان شخص را توثیق می‌کند.^۴ از این‌رو، این پژوهش فراتر از یک مقایسۀ ساده، و به دنبال «تبارشناسی» یا ریشه‌یابی این علل ساختاری و ژنتیکی در روش این دو دانشمند بزرگ است.

جلال
پژوهش‌ها

سال هشتم، شماره ۸، سال ۱۴۰۴

۱. شهیدی و اصغرپور، مبانی و قواعد توثیق راویان در کتاب رجال تفسیری، ص ۳۳؛ جلالی و رباطی، «بررسی تطبیقی روش ابن‌غضائری، شیخ طوسی و نجاشی در تعامل با راویان غیرامامی»، علوم حدیث، ش ۷۹، ص ۱۴۴.

۲. مدیر شانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۱۴۱؛ خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۷۸.

۳. صرامی، مبانی حجیت آرای رجالی، ص ۴۷.

۴. طوسی، رجال، صص ۲۳۹-۳۹۱.

افزون بر این، پژوهش‌های معاصر نیز نشان داده‌اند که تعارض‌های رجالی در دوره متقدمان صرفاً نتیجه تفاوت‌های فردی نبوده، بلکه برخاسته از «گسست‌های معرفت‌شناختی» میان دو جریان بزرگ حدیثی قم و بغداد است.^۱ از این رو تعارضات رجالی میان این دو نه تنها اختلاف در وثاقت راویان، بلکه بازتاب‌دهنده دو پروژه معرفتی متفاوت است که هرکدام در پی بازسازی هویت حدیث شیعه بر اساس معیارهای خاص خود بوده‌اند.^۲

تبارشناسی رجالیان سده‌های چهارم و پنجم: زمینه مشترک و افتراق بغداد

ابن‌غضائری و شیخ طوسی هر دو در مکتب بغداد تحصیل کرده و رشد نمودند. بغداد در آن دوران، مرکز علم و حدیث شیعه بود و قواعد رجالیان متقدم در شکل‌گیری دانش رجال سهم بسزایی داشت.^۳ این دو دانشمند برجسته، نه تنها هم‌دوره بودند، بلکه از استادان مشترکی نیز بهره بردند. حسین بن عبیدالله غضائری (پدر احمد بن حسین ابن‌غضائری، متوفی ۴۱۱ قمری) یکی از این مشایخ بود که شیخ طوسی در محضر او کسب علم کرد.^۴

علیرغم تحصیل، مطالعات، و حتی استادان مشترک، وجود اختلافات گسترده کیفی و کمی در آرای رجالی این دو محقق، به یک معمای پژوهشی تبدیل شده است.^۵ اگرچه نجاشی و شیخ طوسی نیز با هم در بغداد زیسته‌اند و اختلاف نظر داشته‌اند^۶، اما تقابل روش‌شناختی میان ابن‌غضائری (به عنوان نماد سخت‌گیری کلامی) و شیخ طوسی (به عنوان نماد احتیاط و مصلحت‌گرایی) بسیار شدیدتر است.^۷ این تقابل، با توجه به اشتراک در محیط علمی و اساتید، نشان‌دهنده آن است که اختلافات مذکور نه ناشی از عدم اطلاع آنان از آرای یکدیگر، بلکه برآمده از اجتهاد و روش‌شناسی متضاد در برخورد با روایات و راویان بوده

۱. بهرامی و حسینی، نگاه حوزه بغداد به راویان و آرای رجالی مدرسه حدیثی قم، ص ۱۱۰؛ نیومن، مدرسه قم و بغداد، ص ۱۲۱.

۲. جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، صص ۲۱۱-۲۱۸.

۳. صدر، تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام، ص ۲۳۳.

۴. شمشیری و جلالی، بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار، ص ۱۱۷.

۵. ابن‌غضائری، الرجال، ص ۲؛ خویی، معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۳؛ جلالی و رباطی، همان، ص ۱۴۴.

۶. نجاشی، رجال، مقدمه؛ طوسی، رجال، مقدمه.

۷. مدرسی طباطبائی، مکتب در فرآیند تکامل، ص ۱۱۹؛ سبحانی، استقصاء المقال، ص ۱۰۵.

است.^۱ به بیان دیگر، این دو عالم، دو جریان فکری متمایز در مکتب بغداد را نمایندگی می‌کردند: جریان محافظه‌کار در جرح (طوسی) و جریان سخت‌گیر پالایشگر (ابن غضائری). این تمایز روش‌شناختی را نمی‌توان بدون توجه به بستر سیاسی و اجتماعی بغداد در دوره آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) تحلیل کرد؛^۲ دورانی که شیعیان امامی برای اولین بار به قدرت سیاسی نزدیک شدند و فضای نسبتاً باز علمی، امکان تدوین جوامع حدیثی و فقهی را فراهم ساخت.^۳ ابن غضائری که در نیمه نخست قرن پنجم می‌زیست، هنوز جو حاکم بر اواخر دوره غیبت صغری و فشارهای عقیدتی را درک می‌کرد؛ از این رو پالایش میراث روایی از هرگونه نشانه غلو را ضروری می‌انگاشت.^۴ در مقابل، شیخ طوسی که پس از درگیری‌های فرقه‌ای و سقوط آل بویه (۴۴۷ق) و آتش‌سوزی کتابخانه‌ها می‌زیست، خود را در مقام حفظ و حراست از میراث مکتوب شیعه می‌دید.^۵ این تفاوت در «موقعیت تاریخی» سبب شد تا طوسی رویکردی انباشت‌گرا و مصلحت‌اندیشانه را بر گزینش سخت‌گیرانه مقدم دارد.^۶

چالش بنیادین «رجال ابن غضائری» و پیامدهای آن بر تقابل

برای واکاوی دقیق تقابل رجالی میان شیخ طوسی و ابن غضائری، لازم است به مسئله مربوط به متن منتسب به ابن غضائری - یعنی کتاب الضعفاء - اشاره شود. این کتاب که نخستین بار توسط ابن طاووس و سپس علامه حلی مورد استفاده قرار گرفت، منبع اصلی آرای رجالی ابن غضائری در دست ماست. هرچند در صحت انتساب این کتاب به ابن غضائری میان رجالیان متأخر اختلاف نظر وجود دارد، اما برای هدف این پژوهش که بررسی محتوای آرای منسوب به اوست، این مسئله تأثیر چندانی ندارد؛ زیرا آنچه مهم است، تحلیل روش‌شناختی این آراء و تقابل آن با دیدگاه‌های شیخ طوسی است؛ صرف‌نظر از اینکه این آرا مستقیماً به

۱. نجاشی، همان، مقدمه؛ مدرسی طباطبایی، همان، ص ۱۱۹؛ جعفریان، همان، ص ۲۱۹.

۲. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، صص ۱۸۵-۱۹۲.

۳. همان، صص ۱۹۳-۱۹۵.

۴. نیومن، مدرسه قم و بغداد، صص ۲۵۴-۲۶۱.

۵. همان، صص ۲۶۳-۲۶۷.

۶. مدرسی طباطبایی، مکتب در فرایند تکامل، صص ۲۰۰-۱۹۸.

ابن‌غضائری تعلق داشته باشد یا از طریق منابع دیگر به او منسوب شده باشد. با این حال، نادیده انگاشتن چالش انتساب کتاب الضعفاء به ابن‌غضائری، از منظر روش‌شناختی پذیرفتنی نیست. شیخ طوسی در مقدمه «الفهرست» به روشنی از نابودی تمامی آثار ابن‌غضائری خبر داده است؛^۱ در حالی که نجاشی به عنوان شاگرد او، مطالب بسیاری از وی نقل کرده است. همین گزارش، به ردّ شدید انتساب «الضعفاء» منجر گردیده و آن را ساخته دشمنان مذهب دانسته‌اند.^۲ همچنین با اشاره به عدم ذکر هیچ کتاب رجالی برای حسین بن عبیدالله و احمد بن حسین در فهرست نجاشی، انتساب این کتاب، مورد تردید جدی قرار گرفته است.^۳ از این رو، تقابل آرای منسوب به ابن‌غضائری با دیدگاه‌های شیخ طوسی، پیش از هر چیز نیازمند آگاهی از این بنیادهای سندی است.

مبانی روش‌شناختی تضعیف در اندیشه ابن‌غضائری (مکتب سخت‌گیری کلامی)

علت بنیادین و روش‌شناختی تعارض میان ابن‌غضائری و شیخ طوسی، در تفاوت اولویت‌های کلامی - فقهی آنان ریشه دارد. ابن‌غضائری رویکردی داشت که می‌توان آن را «پاکسازی کلامی» نامید.^۴

الف) نقش محوری «غلو» و «ارتفاع در مذهب» در حکم تضعیف

ابن‌غضائری در میان رجالیان، به عنوان فردی «غیرتمند در دین و حامی مذهب» شناخته شده است.^۵ او نسبت به رعایت شأن و منزلت ائمه، حساسیت ویژه داشت و در پی پالایش احادیث از محتوای کلامی غالیانه بود.^۶ در واقع، غالب راویانی که توسط او تضعیف شده‌اند، متهم به غلو و ارتفاع در مذهب بوده‌اند.^۷

۱. طوسی، الفهرست، ص ۴۲.

۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۶، ص ۱۲۳.

۳. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۸۹.

۴. پاشایی و غروی نائینی، تحلیل انتقادی نسبت کتاب الضعفاء به ابن‌غضائری، صص ۴۷-۷۴.

۵. کلباسی، سماء المقال، ج ۱، ص ۱۹.

۶. همان.

۷. ایزدی، جستاری در رویکردهای ابن‌غضائری، ص ۲۱۳؛ اکبری، بازخوانی انتقادات متأخران، ص ۴۰.

بررسی نمونه‌ای کتاب الضعفاء نشان می‌دهد که از ۲۲۵ راوی موجود در این کتاب، حدود ۱۶۵ تن (۷۳ درصد) به دلیل اتهاماتی چون غلو، ارتفاع در مذهب، یا نقل روایات منکر تضعیف شده‌اند. بر این اساس، ابن‌غضائری راویانی را که نقل‌کننده کرامات مبالغه‌آمیز از امامان بوده‌اند، دارای اعتبار ضعیف دانسته است.^۱ این رویکرد، در دوره‌ای که تشیع با معضل غالیان درگیر بود، یک ضرورت عقیدتی و کلامی محسوب می‌شد. بنابراین، تضعیف‌های ابن‌غضائری در این موارد، لزوماً به معنای تکذیب یا متهم کردن راوی به دروغگویی شخصی نیست. در مکتب قدما، ضعف راوی به معنای عدم پذیرش روایات منفرد او تلقی می‌شد و هدف ابن‌غضائری از این تضعیف‌ها، جلوگیری از ورود مضامین کلامی غیرصحیح به پیکره حدیثی شیعه بود.^۲

ب) تفکیک ضعف عقیدتی از ضعف در روایت (صدق و ضبط)

پژوهش‌های تطبیقی نشان می‌دهند که رجالیان متقدم، از جمله ابن‌غضائری، وابستگی راوی به فرق شیعه غیرامامی (فاسدالمذهب) یا حتی اهل سنت را دلیلی برای تضعیف مطلق حدیث نمی‌دانستند، بلکه ملاک اصلی قضاوت را صدق (راستگویی) و ضبط (دقت در نقل) راوی قرار می‌دادند.^۳

این تفکیک میان ضعف مذهبی و وثاقت در نقل، یک نکته کلیدی در روش ابن‌غضائری است. او به خوبی می‌دانست که ممکن است فردی از نظر عقیدتی فاسدالمذهب باشد، اما در نقل حدیث راستگو باشد.^۴ با این حال، هنگامی که مسئله غلو پیش می‌آمد، سخت‌گیری ابن‌غضائری افزایش می‌یافت. تحلیل موردی «معلی بن خنیس» نشان می‌دهد که تضعیف این راوی توسط ابن‌غضائری و نجاشی (که متأثر از او بوده)، نه صرفاً بر مبنای روایات ذم، بلکه بر اساس اعتماد به گزارش‌های تاریخی و اجتهاد او از مجموع قرائن موجود دوران خود

۱. رحمان ستایش، آشنایی با کتب رجال شیعه، ص ۵۲.

۲. قربانی زرین، دیدگاه‌های غضائری و ابن‌غضائری، ص ۲۲۱؛ حسینی جلالی، رجال ابن‌غضائری، ص ۵.

۳. جلالی و رباطی، همان، ص ۱۴۴.

۴. حسین پوری، حدیث ضعیف، ص ۱۴۲.

بوده است.^۱

بنابراین، باید توجه داشت که تفکیک ضعف عقیدتی از ضعف در نقل، همیشه به سادگی نبوده است. برخی از رجالیان متقدم، از جمله ابن‌غضائری، در مواردی به دلیل وجود گرایش‌های غیر امامی در راوی، او را تضعیف می‌کردند.^۲ این سخت‌گیری‌ها، به‌ویژه در مورد غُلات، نمود بیشتری داشته و نشان می‌دهد که دغدغه حفظ اصالت مذهب، در قضاوت‌های رجالی بی‌تأثیر نبوده است.^۳ با این وجود، دیدگاه غالب در میان رجالیان متقدم، تأکید بر صدق و ضبط راوی به عنوان ملاک اصلی پذیرش یا ردّ حدیث بوده است.^۴

این نگرش متفاوت به تضعیف راویان، به‌ویژه در مورد غلو، نشان می‌دهد که ابن‌غضائری اولویت اصلی خود را بر پاکسازی کلامی و حفظ اصالت مذهب قرار داده است. این رویکرد سختگیرانه باعث می‌شود که بسیاری از توثیقات شیخ طوسی، که ممکن است تنها بر اساس کثرت روایت یا عمل اصحاب صورت گرفته باشد، در تقابل با معیارهای دقیق‌تر عقیدتی ابن‌غضائری قرار گیرد.^۵

مبانی روش‌شناختی توثیق در اندیشه شیخ طوسی (رویکرد احتیاطی و مصلحتی)

شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق) در مقایسه با ابن‌غضائری، رویکرد متفاوتی در جرح و تعدیل داشت. رویکرد او بیشتر به سمت احتیاط، جامع‌نگری و مصلحت‌اندیشی در تدوین متمایل بود.

الف) تحلیل «شیوه مصلحتی» و محافظه‌کاری در جرح

پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که شیخ طوسی در انعکاس آرای رجالی خود، از شیوه‌ای مصلحت‌گراانه پیروی کرده است.^۶ این رویکرد، در نهایت به عملکردی محافظه‌کارانه در ارائه

۱. جلالی و رباطی، همان، ص ۱۴۴.

۲. ایزدی، همان، ص ۲۱۳.

۳. جلالی و رباطی، همان.

۴. حسین‌پوری، همان، ص ۱۴۲.

۵. ایزدی، همان، ص ۲۱۳.

۶. شمشیری و جلالی، همان، ص ۱۱۷.

اطلاعات رجالی انجامید.^۱

یکی از مسائل چالش‌برانگیز در روش‌شناسی شیخ طوسی در دانش رجال، روش جرح و تعدیل راویان است. این مسئله به‌ویژه در توجه به تسامح نسبت به مذهب راویان و پذیرش راویان غیرامامی از فرقه‌های مختلف، به‌جز فرقه‌های منحرف، مشهود است. این رویکرد به‌روشنی در محتوا و تحلیل‌های موجود در دو اثر اصلی او، یعنی کتاب رجال و الفهرست، بروز و ظهور می‌یابد.^۲

در توجیه رویکرد شیخ طوسی، می‌توان گفت که منازعات مذهبی میان شیعیان و اهل سنت و همچنین اختلاف نظرهای داخلی بین شخصیت‌های برجسته شیعه، امنیت علمی و تحقیقاتی آن دوران را با تهدید روبه‌رو کرده بود. در این شرایط، شیخ طوسی به عنوان یک منجی به میدان علم و تحقیق قدم نهاد و روشی را در آثار خود برگزید که هم به دفاع از هویت مذهب شیعه در برابر اهل سنت پردازد و هم به نوعی به اختلافات میان مشایخ شیعه پایان دهد.^۳

شیخ طوسی در کتاب الرجال تلاش کرده است که کمتر به جرح و تعدیل افراد پردازد و توثیق و تضعیف افراد در مقایسه با کل اسامی ذکر شده در کتاب، کم‌شمار است.^۴ او حتی در مواردی جرح و تعدیل را از قول دیگران بیان می‌کرد.^۵ این رویکرد، در زمینه تاریخی بغداد (اواخر قرن چهارم و اوایل پنجم) که شیعه تحت فشار سیاسی و اجتماعی بود، قابل تحلیل است. شیخ طوسی، به عنوان رهبر مکتب شیعه در بغداد، احتمالاً با اتخاذ شیوه مصلحتی، قصد داشت جبهه شیعه را در برابر فشارها متحد نگه دارد و از تخریب شخصیت‌های شیعی پرهیز کند. این فشار سیاسی و اجتماعی او را به سمت محافظه‌کاری در جرح سوق داد، در حالی که ابن‌غضائری (با اولویت کلامی) چنین ملاحظات را کمتر در نظر می‌گرفت.^۶

۱. همان.

۲. قانندان و ادهم، جایگاه راویان در رجال شیخ طوسی، ص ۷۷.

۳. معارف، پژوهشی در تاریخ شیعه، ص ۵۱.

۴. طوسی، رجال، صص ۲۳۹-۳۹۱.

۵. همان.

۶. شمشیری و جلالی، همان، ص ۱۱۷؛ قانندان و ادهم، همان، صص ۷۰-۹۱.

ب) ناتمام ماندن تدوین نهایی رجال شیخ طوسی (الرجال)

برخی از بزرگان رجالی متأخر، از جمله محقق بروجردی، بر این باورند که کتاب رجال شیخ طوسی به مرحله تدوین و تکمیل نهایی نرسیده است.^۱ این موضوع بر روش ارائه اطلاعات در این کتاب تأثیر گذاشته است؛ چراکه در این اثر، افراد بسیاری صرفاً به عنوان اصحاب پیامبر یا ائمه ذکر شده‌اند، بدون آنکه هیچ توثیق یا تضعیفی درباره آن‌ها ارائه شود.^۲ این اجمال در توثیق و تضعیف، که برآمده از عدم تکمیل نهایی کتاب یا هدف او در ارائه یک فهرست جامع بوده است، عامل مهمی در کمتر بودن احکام جرح در مقایسه با ابن‌غضائری است. نظریه عدم تکمیل نهایی «رجال طوسی» دقیقاً این توجیه را فراهم می‌کند و به فقیهان اجازه می‌دهد تا سکوت شیخ را حمل بر وثاقت نکرده و با معیارهای سخت‌گیرانه‌تری سند را بررسی کنند.^۳

ج) مبانی توثیق عام و گستره آن در روش طوسی

شیخ طوسی در روش رجالی خود به طور گسترده از توثیقات عام استفاده می‌کرد تا اعتبار راویان را روشن سازد.^۴ این مبانی شامل موارد زیر است:

- ۱- وثاقت کتب و آثار: شیخ طوسی قائل به تفکیک میان وثاقت خود راوی و وثاقت کتاب منقول توسط او بود. او بر این باور بود که می‌توان به کتب و آثار راویان فاسدالمذهب یا ضعیف اعتماد کرد، مشروط بر آنکه کتاب معتبر باشد.^۵ این رویکرد، منجر به توثیق ضمنی یا احتیاطی راویانی می‌شد که ابن‌غضائری به دلیل ضعف مذهبی، آن‌ها را جرح کرده بود.
- ۲- توثیق‌های عام: اعتماد به راویانی که محدثان بزرگ بر آن‌ها اعتماد کرده‌اند، توثیق مشایخ اجازه، و توثیق راویان واقع در اسناد محکوم به صحت، از جمله قواعدی بودند که طوسی برای استنتاج حسن حال راویان به کار می‌برد. در مقدمه «تنقیح المقال»، مامقانی مشایخ اجازه را گروهی از علما معرفی می‌کند که به دلیل جایگاه علمی و مرتبه علمی خود، توثیق و

۱. سبحانی، کلیات فی علم الرجال، ص ۶۹.

۲. طوسی، رجال، صص ۲۳۹-۳۹۱.

۳. معارف و عسگری‌پرور، ارزیابی رویکرد رجالی آیت‌الله بروجردی، ص ۱۱۶.

۴. قائدان و ادهم، همان، ص ۷۷.

۵. طوسی، العدة فی اصول الفقه، ص ۲۸۷.

اجازه آنان در نقل روایت، حجت و معتبر تلقی می‌شود. این مشایخ اجازه، نقش مهمی در اعتباربخشی به راویان و توثیق عام آنها دارند و ملاک استنتاج حسن حال راویان محسوب می‌شوند که با عبارات روشنی توضیح داده شده است.^۱

۳- بیان عقیده به جای اصطلاح: گاهی شیخ طوسی به جای استفاده از اصطلاحات معمول جرح و تعدیل رجالی، از الفاظی چون «ملعون» یا «خیث» برای نشان دادن جایگاه دینی و عقیدتی راوی بهره برده است.^۲ این امر نشان‌دهنده آن است که او گاهی رأی خود را به صورت کلامی-فقهی بیان کرده، نه صرفاً در چارچوب خشک رجالی.

۴- استناد به اصحاب اجماع و اصول روایی متقدم: شیخ طوسی، همچون دیگر مشایخ متقدم شیعه، در رویکرد خود برای توثیق، اهمیت بالایی برای میراث روایی سلف قائل بود. یکی از اصلی‌ترین ابزارهای توثیق عام نزد ایشان، پذیرش و تکیه بر مفهوم «اصحاب اجماع» است که ابتدا توسط کشی مطرح شد. بر اساس این مبنا، گروهی از روات بزرگ شیعه (مانند زراره، محمد بن مسلم، یا فضیل بن یسار) به دلیل شهرت، اتقان در نقل و اجماع طایفه امامیه بر صحت روایات آنها، دارای توثیق عام و مطلق هستند.^۳

اعتماد به این دسته از راویان و نیز قرار گرفتن راوی در اسناد «اصول اربعمائه» یا کتب معتبر متقدم، عملاً منجر به توثیق ضمنی راویانی می‌شد که ممکن بود از نظر مذهبی یا کلامی مورد نقد باشند. شیخ طوسی با این رویکرد، اعتبار محتوای روایی را در کنار بررسی‌های فردی رجالی قرار داد و این امر به حفظ گنجینه روایات فقهی شیعه که از طریق این اسناد به دست رسیده بود، کمک شایانی کرد. این استناد به اصول و اجماع، نشان‌دهنده رویکردی نهادینه در مکتب فقهی شیعه برای حفظ انسجام حدیثی در رویارویی با اختلافات کلامی بود.^۴

شایان ذکر است که شیخ طوسی به صراحت از «حجیت خبر واحد» دفاع می‌کند و مبنای آن

۱. مامقانی، تنقیح المقال، ص ۴۳۳.

۲. طوسی، رجال، ص ۵۸۷.

۳. کشی، رجال، ج ۲، ص ۸۰۷.

۴. طوسی، الفهرست، ص ۴۳.

را «عمل طایفه» و «وجود قرائن خارجی» می‌داند.^۱ این مبنا مستقیماً بر روش رجالی او تأثیر گذاشته است؛ زیرا اگر خبر واحدی در میان اصحاب شهرت عملی داشته باشد، راوی آن اگرچه از نظر فردی تضعیف شده باشد، می‌تواند مورد اعتماد قرار گیرد.^۲ طوسی در مواجهه با روایانی که ابن‌غضائری آنان را به غلو متهم کرده (مانند محمد بن سنان) به همین قاعده تمسک می‌جوید.^۳ از دیدگاه او، «قبول روایت»، جدای از «توثیق فردی» راوی است و آنچه در مقام افتا و استنباط اهمیت دارد، عمل اصحاب و انسجام متن است، نه صرفاً سلامت عقیدتی ناقل.^۴

رویکرد شیخ طوسی در توثیق روایان غالباً رویکردی عمل‌گرایانه، و عمدتاً با هدف حفظ و صیانت از میراث فقهی و حدیثی شیعه بوده است. در مواردی که ابن‌غضائری به علت نگرانی‌های کلامی مانند غلو، حکم به تضعیف راوی داده بود، شیخ طوسی با توجه به اهمیت و اعتبار متون منقول توسط آن راوی و نیاز مکتب فقهی به این روایات، ممکن بود از تضعیف صریح خودداری کرده و حتی آن را توثیق کند. این رویکرد نشان‌دهنده توجه شیخ طوسی به حفظ انسجام فقه شیعی و تعادل بین نقد فردی راوی و اهمیت محتوای روایات است.^۵

گونه‌شناسی و واکاوی علل تعارضات در مصادیق خاص

گونه‌شناسی تعارضات رجالی میان دو محدث بزرگ درباره روایان خاص، عمیقاً نشانگر اختلافات مکتبی و رویکردهای متفاوت در ارزیابی اعتبار روایان است. برای درک عمیق‌تر، لازم است موارد عینی تعارض میان آرای این دو رجالی بزرگ مورد بررسی قرار گیرد تا علل ریشه‌ای اختلافات آشکار شود.

۱. طوسی، العدة في الاصول الفقه، ج ۱، صص ۱۵۰-۱۵۵.

۲. همان، صص ۱۵۶-۱۵۸.

۳. شمشیری و جلالی، بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی، صص ۱۲۵-۱۲۸.

۴. طوسی، العدة في الاصول الفقه، ج ۱، صص ۱۶۲-۱۶۰.

۵. مدرسه فقهی امام محمدباقر (ع)، روش‌شناسی رجالی رجال شیخ طوسی.

الف) تعارض‌های مکتبی و تحلیل موردی راویان (آزمون عملی روش طوسی)

۱. سهل بن زیاد آدمی

سهل بن زیاد آدمی یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تعارض رجالی است. این راوی توسط گروهی از رجالیان پیشین، به‌ویژه مکتب قم (مانند ابن‌ولید و شیخ صدوق) و ابن‌غضائری و نجاشی، تضعیف شده است.^۱ نجاشی او را «ضعیف در حدیث و غیرقابل اعتماد» می‌خواند. ابن‌غضائری نیز از تضعیف‌کنندگان جدی او محسوب می‌شود.^۲

در مقابل، شیخ طوسی در کتاب رجال خود، سهل بن زیاد را «ثقه و مورد اعتماد و از اهالی ری» می‌داند.^۳ ریشه‌یابی این تعارض نشان می‌دهد که توثیق اولیه در رجال و الفهرست، ممکن است ناشی از ضعف اطلاع دقیق یا رویکرد مصلحتی طوسی به منظور حفظ اسناد مهم مکتب فقهی شیعه باشد. اما نکته حائز اهمیت، تغییر موضع طوسی در آثار متأخر فقهی اوست: شیخ طوسی در کتاب فقهی «الاستبصار» (که پس از «الفهرست» و «الرجال» نوشته شده)، سهل بن زیاد را «ضعیف جداً عند نقاد الأخبار» (بسیار ضعیف نزد منتقدان حدیث) خوانده است.^۴ این تغییر موضع در کتاب متأخر که حاوی اجتهاد نهایی طوسی است، نشان می‌دهد که رأی نهایی او در نهایت به رأی سخت‌گیرانه مکتب قم و ابن‌غضائری نزدیک‌تر بوده است. این تعارض، صرفاً اختلاف در توثیق نیست، بلکه نشان‌دهنده تکامل اجتهاد رجالی طوسی و احتیاط او در مراحل اولیه تدوین بوده است.

۲. محمد بن سنان

محمد بن سنان، از دیگر راویانی است که رویکرد رجالی شیخ طوسی را در مواجهه با تضعیفات مکتب قم به چالش می‌کشد. ابن سنان با وجود اینکه از راویان پرنقل کتب اربعه و مشایخ بزرگ حدیثی شیعه به شمار می‌رود، توسط غالب رجالیان متقدم، به‌ویژه ابن‌غضائری و نجاشی، به دلیل اتهاماتی چون «غلو» و «روایت از ضعفاء» مورد طعن قرار گرفته است.

۱. شمشیری و جلالی، همان، ص ۱۱۷.

۲. همان.

۳. طوسی، رجال، ص ۴۱۶.

۴. شمشیری و جلالی، همان، ص ۱۱۷.

نجاشی او را «مُطْعَنٌ عَلَيْهِ» می خواند و در فهرست خود تضعیف می کند.^۱ شیخ طوسی نیز در الفهرست خود، محمد بن سنان را از اصحاب ضعیف و فاسدالمذهب معرفی می کند؛^۲ اما در عین حال، در آثار فقهی و اصولی خود رویکرد متفاوتی در قبال روایات او اتخاذ می کند. این دوگانگی ناشی از تقابل میان توثیق فردی (که منجر به ضعف او می شود) و توثیق عام بر اساس عمل طایفه و کثرت نقل در اصول است. طوسی در «عدة الأصول»، به صراحت در مورد راویان ضعیفی که روایات آن ها در اصول معتمد شیعه آمده، بحث می کند و با استناد به اینکه «شیعه به اخبار آن ها عمل کرده است»، راهی برای پذیرش روایات آن ها (به ویژه در تعارض ها) باز می گذارد.^۳

ب) تعارض مبتنی بر شک در شخصیت راوی

۱. جعفر بن محمد بن مالک

نمونه دیگر، جعفر بن محمد بن مالک است. ابن غضائری و نجاشی هر دو او را تضعیف کرده اند.^۴ با این حال، شیخ طوسی غالباً در رجال خود، ضمن ذکر نظر تضعیف کنندگان، وی را توثیق کرده است.^۵

این مورد نشان می دهد که شیخ طوسی، حتی در مواجهه با حکم جرح دو رجالی بزرگ (ابن غضائری و نجاشی)، رویکرد محافظه کارانه خود را حفظ کرده است. این امر احتمالاً شاهدی بر روش طوسی است که در صورت وجود هرگونه قرینه مثبت (مانند کثیرالروایه بودن یا داشتن کتاب معتبر) و عدم اجماع قاطع بر ضعف، از تضعیف کامل راوی خودداری می کند. این توثیق را نمی توان تنها ناشی از اختلاف نظر فردی دانست؛ بلکه به نظر می رسد شیخ طوسی با توجه به قرائنی چون کثرت روایت جعفر بن محمد بن مالک در کتب معتبر شیعه، وجود کتاب های او و اعتماد برخی از مشایخ بزرگ به وی، و همچنین عدم اجماع

۱. نجاشی، همان، ص ۳۲۸.

۲. طوسی، الفهرست، ص ۲۱۴.

۳. طوسی، عدة الأصول، ج ۱، ص ۱۵۳.

۴. طوسی، رجال، ص ۴۱۸.

۵. همان.

قاطع بر ضعف او، به توثیق وی حکم داده است. به عبارت دیگر، در اینجا با یک «توثیق خاص» روبه‌رویم که ریشه در اجتهاد رجالی طوسی بر اساس مجموع قرائن دارد، نه صرفاً یک حکم کلی. این یافته‌ها منعکس‌کننده رویکرد اجتهادی و تعادلی شیخ طوسی در دانش رجال است که همواره تلاش کرده بین نقد علمی و حفظ انسجام مکتب فقهی شیعه تعادل برقرار سازد.^۱

۲. احمد بن محمد بن خالد برقی

احمد بن محمد بن خالد برقی، مؤلف کتاب ارزشمند «المحاسن»، یکی دیگر از مصادیق مهم تعارض در توثیق است که ریشه در شک درباره شخصیت او دارد. نجاشی، برقی را تضعیف نکرده اما بیان می‌کند که او «کثیر الروایة عن الضعفاء» (بسیار از ضعفا روایت کرده) و قمیون او را از قم اخراج کردند.^۲ این اخراج و روایت از ضعفا، شک و ابهام جدی در اعتبار حدیثی او ایجاد می‌کند.

در برابر این تردیدها، شیخ طوسی، برقی را صریحاً «ثقه» (مورد اعتماد) می‌شمارد و او را دارای اصل و تصنیفات معرفی می‌کند.^۳ این توثیق صریح طوسی، با وجود جرح ضمنی نجاشی و عمل سخت‌گیرانه قمی‌ها، نشان‌دهنده اولویت دادن طوسی به جایگاه علمی برقی و نقش کلیدی کتاب‌های او (که مورد اعتماد طایفه بود) نسبت به تردیدهای فردی و اخلاقی (یا ضعف در انتخاب مشایخ) است. به عبارت دیگر، طوسی با توثیق او، عملاً به کثرت نقل شیعه از کتاب او و اهمیت محتوای میراث برقی صحنه گذاشته است. این توثیق صریح، با توجه به اینکه طوسی از اخراج برقی توسط قمی‌ها آگاه بوده، نشان‌دهنده نوعی «ترجیح مصلحتی» است. این رویکرد، با روش «تفکیک وثاقت کتاب از وثاقت راوی» که طوسی در «عدة الاصول» بدان تصریح کرده، هماهنگی کامل دارد.

تأکید طوسی بر وثاقت برقی، در حالی که نجاشی صرفاً به کثرت روایت او از ضعفا اشاره کرده و قمی‌ها او را از قم اخراج کرده بودند، نشان‌دهنده رویکردی بنیادین است: در مکتب

۱. مدرسه فقهی امام محمدباقر (ع)، همان.

۲. نجاشی، همان، ص ۷۶.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۵۵.

بغداد متأخر، «تألیفات ارزشمند» می‌توانند بر «ضعف در انتخاب مشایخ» غلبه کنند.^۱ این قاعده بعدها در آثار رجالی متأخران مانند علامه حلی و شهید ثانی نیز توسعه یافت و به یکی از اصول مهم در توثیق راویان مبهم تبدیل شد.^۲

ج) گونه‌شناسی علل تعارض و راهکارهای حل آن

علل بنیادی که منجر به تقابل در آرای رجالی ابن‌غضائری و شیخ طوسی شده، فراتر از اختلاف سلیقه فردی است و در تفاوت‌های ساختاری روش‌شناختی آنان ریشه دارد. جدول زیر به گونه‌شناسی این علل بنیادین می‌پردازد:

گونه‌شناسی علل بنیادین تعارض میان آرای رجالی ابن‌غضائری و شیخ طوسی

علت ریشه‌ای تقابل	روش شیخ طوسی (توثیق/سکوت)	روش ابن‌غضائری (تضعیف)	محور اختلاف
تفاوت در اولویت‌دهی (کلام بر فقه)	جمع‌آوری منابع فقهی و فهرست‌نگاری جامع، رویکرد عمل‌گرایانه ^۳	سخت‌گیری کلامی، پالایش عقاید از غلو و کرامات ^۴	انگیزه و هدف تدوین
تفاوت در سنجش (شخص راوی در مقابل اثر مکتوب)	تمرکز بر وثاقت کتب (تفکیک وثاقت کتاب از راوی)، شیوه مصلحتی ^۵	تمرکز بر ضعف مذهب (غلو) به عنوان عامل عدم پذیرش منفردات ^۶	روش اعتبارسنجی
اختلاف در ثبوت	عدم دسترسی مستقیم به	جرح‌ها بسیار دقیق و	مسئله سند و

۱. حلی، خلاصة الأقوال، ص ۴۲.

۲. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۱۲۱.

(۱) ابن‌غضائری، الرجال، صص ۵-۶۰.

(۲) طوسی، رجال، صص ۱۳۵-۲۰۰.

(۳) ابن‌غضائری، الرجال، صص ۵-۶۰.

(۴) شمشیری و جلالی، «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، مطالعات اسلامی، ش ۸۰، ص ۱۱۰.

علت ریشه‌ای تقابل	روش شیخ طوسی (توثیق/سکوت)	روش ابن غضائری (تضعیف)	محور اختلاف
حکم (آیا حکم جرح ابن غضائری برای طوسی ثابت شده بود؟)	متن اصلی الضعفاء و محافظه‌کاری در نقل جرح ^۲	متکی بر اجتهاد از قراین زمان ^۱	متن

این گونه‌شناسی نشان می‌دهد که هسته اصلی اختلاف، در تفاوت بنیادین میان هدف ابن غضائری (پالایش عقیدتی) و هدف شیخ طوسی (حفظ میراث فقهی در بستر اجتماعی-سیاسی بغداد) نهفته است.

رویکردهای متعارض در ارزیابی‌های رجالی (واکاوی مبانی و معیارهای ترجیح):

الف) تبارشناسی مبانی روش‌شناختی (تحلیل انگیزه و معیارهای ارزیابی)

واکاوی تبارشناسی ارزیابی‌های متعارض رجالی میان ابن غضائری و شیخ طوسی، تفکیک مبانی روش‌شناختی آن دو را در سه حوزه اصلی تأیید می‌کند: انگیزه تدوین (کلامی در مقابل فقهی/فهرستی)، مبنای حکم (سخت‌گیری در قبال غلو در مقابل احتیاط و مصلحت)، و تأثیر مسئله انتساب و اعتبار کتاب ابن غضائری بر ثبوت تعارض.^۳

شیخ طوسی، که رهبر مکتب حدیثی-فقهی بغداد بود، رویکردی تلفیقی و جامع‌گرا اتخاذ کرد. هدف او حفظ میراث مکتوب شیعه بود، که در آن زمان تحت فشار و خطر نابودی قرار داشت. لذا، او بر وثاقت کتب و عمل اصحاب تمرکز کرد و حتی در مواردی که راوی فاسدالمذهب یا ضعیف بود، اگر کتاب او معتبر شناخته می‌شد، او را توثیق می‌نمود تا سهم

چهار
پژوهش‌ها

سال هشتم شماره ۸ سال ۱۴۰۴

(۵) جلالی و رباطی، «بررسی تطبیقی روش ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی در تعامل با راویان غیرامامی»، علوم حدیث، ش ۷۹، ص ۱۴۴.
(۶) ابن غضائری، الرجال، صص ۵-۶۰.
(۳) شمشیری و جلالی، همان، ص ۱۱۷.

او در نقل فقه از بین نرود.^۱ این عملکرد محافظه‌کارانه (شیوه مصلحتی)، دلیل اصلی توثیقات او در مقابل تضعیفات کلامی-محور ابن‌غضائری بود.

در مقابل، ابن‌غضائری بر اهمیت اخلاص در دین تأکید ویژه داشت و به همین دلیل اولویت خود را در علم رجال به پالایش عقیدتی و مبارزه با غلو اختصاص داد. بر اساس این رویکرد، تضعیفات او عمدتاً متوجه افرادی بود که در مسائل کلامی از حدود شرع تجاوز کرده و روایاتی با محتوای کرامات غالیانه نقل می‌کردند. این روش، به عنوان یک اقدام محافظت‌گرانه در برابر انحرافات اعتقادی، در منابع رجالی و تاریخی مورد توجه قرار گرفته است.^۲

ب) ترجیح میان توثیقات و تضعیفات متعارض از منظر اجتهاد متأخر

در مواجهه با این تعارضات، رجالیان متأخر رویکردهای متفاوتی برای ترجیح یکی بر دیگری اتخاذ کرده‌اند:

۱. برتری جرح ابن‌غضائری (اصل تخصص):

با فرض اعتبار و وثاقت ابن‌غضائری در نقد حدیث، برخی از فقیهان و رجالیان (مانند محقق سیستانی) معتقدند که رأی او در جرح، بر توثیق‌های شیخ طوسی و نجاشی، که ممکن است متکی به مبانی عمومی یا ملاحظات مصلحتی باشد، مقدم است.^۳ این ترجیح بر این مبنا استوار است که ابن‌غضائری با دقت بالا و تخصص کامل به جرح پرداخته است. افزون بر این، گفته می‌شود روش ابن‌غضائری در جرح، مبتنی بر تتبع میدانی و شناسایی دقیق گرایش‌ها و انحرافات راویان بوده و از این رو نسبت به توثیقات کلی یا مبتنی بر قرائن اجمالی، قدرت کشف بیشتری دارد.^۴ همچنین برخی محققان بر این باورند که سخت‌گیری روشی او، اگرچه دایره قبول روایات را محدود می‌کند، اما در نهایت به پالایش سندی قابل‌اعتمادتر

۱. همان.

۲. ایزدی، همان، صص ۲۰۷-۲۲۶؛ نجاشی، همان، ص ۶۴.

۳. مامقانی، تنقیح المقال، ج ۴، ص ۲۲۱.

۴. حسینی، دراسات فی علم الرجال و الحدیث، ص ۱۲۵-۱۳۰.

می انجامد.^۱

۲. برتری توثیق شیخ طوسی/نجاشی (اصل ثبوت و جامعیت):

در مواردی که تضعیف ابن غضائری با توثیق نجاشی نیز در تعارض قرار گیرد^۲ (مانند جعفر بن محمد بن مالک)، یا در مواردی که تضعیف ابن غضائری از نقل بدون سند ابن طاووس نشأت گرفته باشد، توثیقات شیخ طوسی یا نجاشی که کتاب نجاشی پس از طوسی و با اتقان بیشتری نگاشته شده، ترجیح داده می شود. همچنین، اگر توثیق طوسی در آثار متأخر فقهی او (مانند تهذیب یا استبصار) باشد، این رأی اجتهادی و نهایی بر حکم فهرستی اولیه مقدم است.^۳

جمع بندی و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با رویکردی تبارشناسانه به واکاوی علل تعارض های ارزیابی های رجالی ابن غضائری و شیخ طوسی پرداخت. یافته های تحقیق مؤید آن است که این تعارض ها نه برآمده از ناآگاهی یا اختلافات شخصی، بلکه بازتابی از دو منظومه فکری و روش شناختی متمایز در مکتب بغداد قرن پنجم هجری است.

در یکسو، ابن غضائری با اتخاذ رویکردی «پالایش گرایانه و کلام محور»، اولویت خود را بر صیانت از خلوص عقیدتی و مبارزه با جریان های غلو و انحراف قرار داده بود. معیار اصلی او در تضعیف راویان، نه صرفاً ضعف در ضبط روایی، بلکه «ارتقاع در مذهب» و احتمال ورود مضامین اعتقادی نامتعارف به پیکره حدیث شیعه بود. این دغدغه، ریشه در شرایط تاریخی-کلامی آن عصر داشت که تشیع را با چالش جدی غلات روبرو کرده بود.

در سوی دیگر، شیخ طوسی به عنوان معمار مکتب فقهی بغداد، رویکردی «مصلحت گرایانه، فقه محور و جامع نگر» را پیش گرفت. هدف محوری او حفظ انسجام درونی جامعه شیعه و حراست از میراث عظیم روایی در برابر تهدیدات خارجی و خطر نابودی بود. از این رو، با

چاله پژوهش ها

سال هشتم، شماره ۸، سال ۱۴۰۴

۱. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۲.

۲. طوسی، رجال، ص ۴۱۸.

۳. شمشیری و جلالی، «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، مطالعات اسلامی، ش ۸۰، ص ۱۱۷؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۲، صص ۸۹-۹۲.

تمرکز بر «وثاقت کتب» و «عمل اصحاب»، و با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند «توثیق‌های عام» و «اصحاب اجماع»، تلاش کرد تا حداکثر ممکن از ذخایر حدیثی پاسداری کند، حتی اگر این امر مستلزم سکوت در برابر برخی تضعیف‌های کلامی یا توثیق راویان مورد اختلاف باشد.

علاوه بر این، چالش‌های مربوط به انتساب کتاب «الضعفاء» و عدم اتصال سند آن، و مسئله عدم تکمیل نهایی کتاب «الرجال» شیخ طوسی، به عنوان عوامل تشدیدکننده این تقابل روش‌شناختی شناسایی شدند. این عوامل متنی و تاریخی باعث شده است که در بسیاری از موارد، امکان احراز قطعی درباره علت اختلاف نظر میسر نباشد.

در مواجهه اجتهادی با این تعارضات، نمی‌توان یک حکم کلی برای ترجیح مطلق یکی از دو روش صادر کرد. ترجیح نهایی منوط به بررسی موردی، تحلیل قرائن پیرامونی، و وزن‌دهی به مبانی است. در مواردی که تضعیف ابن‌غضائری مستند به شواهد تاریخی و با انگیزه پالایش عقیدتی واضح باشد، می‌توان آن را معتبرتر دانست. در مقابل، در مواردی که توثیق شیخ طوسی متکی بر عمل گسترده اصحاب، قرارگرفتن راوی در اسناد کتب معتبر، یا بیانگر رأی نهایی و اجتهادی او در آثار متأخر فقهی باشد، این توثیق از اعتبار و اولویت بالاتری برخوردار خواهد بود.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که تقابل آرای این دو اندیشمند، نه یک ضعف، بلکه نمودی از غنای اجتهادی و تکثر مکتبی در سنت رجالی شیعه است. فهم این تقابل به عنوان بازتاب دو پروژه مستقل «حفظ اصالت عقیدتی» و «صیانت از انسجام فقهی-روایی»، محققان را در اتخاذ تصمیم‌های دقیق‌تر در مواجهه با احادیث متعارض و راویان مورد اختلاف یاری می‌رساند. پیامد عملی این پژوهش برای فقها و اصولیان معاصر آن است که در مواجهه با روایات فقهی که راویان آن دچار تعارض آرای ابن‌غضائری و شیخ طوسی هستند، نمی‌توان به یک قاعده کلی (مثل تقدیم جرح بر تعدیل یا بالعکس) تمسک جست. بلکه باید نخست مشخص شود که اختلاف ناظر به کدام یک از سه سطح است: سطح ثبوت سند (آیا حکم جرح به طوسی رسیده است؟)، سطح مبانی کلامی (آیا تضعیف به دلیل غلو است؟)، یا سطح اولویت فقهی (آیا راوی در اصول معتمد شیعه جای دارد؟). برای مثال در مواردی مانند جعفر بن محمد بن مالک که تضعیف ابن‌غضائری با توثیق طوسی و نجاشی توأم است، با توجه به

کثرت روایت و عمل اصحاب، توثیق مقدم می‌شود. اما در مواردی که تضعیف، مستند به غلو آشکار باشد (مانند برخی راویان کتاب الضعفاء)، جرح ابن غضائری - به شرط اثبات انتساب - اولویت دارد. ارائه این الگوی سه‌سطحی می‌تواند ابزار روشنی برای ترجیح‌گذاری در تعارضات مشابه در اختیار پژوهشگران قرار دهد و افق‌های جدیدی را برای پژوهش‌های عمیق‌تر در تاریخ علم رجال می‌گشاید..

منابع و مآخذ

۱. ابن طاووس، سیدالطائفه، محمدبن موسی، التحریر الطاووسی، قم: کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۱ق.
۲. ابن غضائری، احمدبن حسین، الرجال (الضعفاء)، تحقیق: محمدرضا جلالی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۲ق.
۳. احمدی، مهدی؛ رحمتی، محمدکاظم، تاریخ حدیث شیعه: در سده‌های چهارم تا هفتم هجری، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۹ش.
۴. اکبری، عمیدرضا، «بازخوانی انتقادات متأخران بر ابوجعفر احمد بن حسین ابن غضائری در جرح غالیان»، پژوهش‌های رجالی، ش ۵، صص ۳۳-۶۸، ۱۴۰۱ش.
۵. ایزدی، مهدی، «جستاری در رویکردهای ابن غضائری به توثیق رجال همراه با واکاوی مفهوم غلو در اندیشه رجالی او»، حدیث پژوهی، سال ۱۰، ش ۱، صص ۲۰۷-۲۲۶، ۱۳۹۷ش.
۶. بروجردی، حسین، نهاية التقرير في مباحث الصلاة، تقرير: محمد فاضل لنکرانی، قم: مرکز فقه ائمه الأطهار (علیهم‌السلام)، ۱۴۲۰ق.
۷. بهرامی، علیرضا؛ حسینی، علیرضا، «نگاه حوزه بغداد به راویان و آرای رجالی مدرسه حدیثی قم»، علوم حدیث، سال ۱۷، ش ۶۵، صص ۱۰۷-۱۲۸، ۱۳۹۱ش.
۸. پاشائی آقابابا، توحید؛ غروی نائینی، نهل، «تحلیل انتقادی نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضائری»، علوم قرآن و حدیث، سال ۵۱، ش ۲، صص ۴۷-۷۴، ۱۳۹۸ش.
۹. جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، تهران: نشر علم، ۱۳۷۹ش.
۱۰. جلالی، مهدی؛ رباطی، سمانه، «بررسی تطبیقی روش ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی در تعامل با راویان غیرامامی»، علوم حدیث، ش ۷۹، صص ۱۴۴-۱۶۷، ۱۳۹۵ش.
۱۱. حسینی، هاشم معروف، دراسات فی علم الرجال و الحدیث، بیروت: دار التعارف، ۱۳۶۷ش.
۱۲. حسین‌پوری، امین، حدیث ضعیف، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۳ش.

چاپ
پژوهش‌ها

سال هشتم، شماره ۸، سال ۱۴۰۴

۱۳. حسینی جلالی، محمدرضا، رجال ابن غضائری، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ق.
۱۴. خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الأصول، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۱۵. خلیلی رازی، علی، سبیل الهدایة فی علم الدراية و الفوائد الرجالية، به‌کوشش: محمود مقدس غریفی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۳۵ق.
۱۶. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: دار الزهراء علیه السلام، ۱۴۱۳ق.
۱۷. رحمان ستایش، محمدکاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۵ش.
۱۸. سبجانی، جعفر، استقصاء المقال في رجال السند و اتصال الحديث، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
۱۹. _____، کلیات في علم الرجال، قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.
۲۰. مدرسه فقهی امام محمدباقر علیه السلام، «روش‌شناسی رجالی رجال شیخ طوسی (قسمت دوم)»، ۱۴ فروردین ۱۳۹۵، <https://mfef.ir/home/?p=5021>.
۲۱. شمشیری، رحیمه؛ جلالی، مهدی، «بررسی و ارزیابی روش شیخ طوسی در نقد رجال و آثار»، مطالعات اسلامی، ش ۸۰، صص ۱۰۹-۱۴۲، ۱۳۸۷ش.
۲۲. شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۲۳. شهیدی، روح‌الله؛ اصغریور، حسن، «مبانی و قواعد توثیق راویان در کتاب رجال تفسیری»، علوم حدیث، ش ۳، صص ۳۳-۶۶، ۱۳۹۹ش.
۲۴. صدر، حسن، تأسیس الشيعة لعلوم الإسلام، قم: چاپ امیر، ۱۳۷۵ش.
۲۵. صدر، محمد، مکتب رجالیان شیعه و دیدگاه آن درباره حدیث ضعیف (برگرفته از حدیث ضعیف، فصل ۵، بخش ۳ و ۴)، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲۶. صدر، محمدباقر، بحوث في علم الأصول، بیروت: الدار الإسلامية، ۱۴۱۷ق.
۲۷. صرّامی، سیف‌الله، مبانی حجیت آرای رجالی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۱ش.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسي، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۵ق.
۲۹. _____، العدة في أصول الفقه، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳۰. _____، الفهرست، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة نشر فقاهت، ۱۴۱۷ق.
۳۱. فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ بشیری، مجید، «ابن غضائری، کتاب الضعفاء و مسأله انتساب»، دوفصلنامه کتاب‌قیم، سال ۷، ش ۱۷، صص ۲۴۳-۲۶۴، ۱۳۹۶ش.

۳۲. قائدان، اصغر؛ ادهم، راضیه، «جایگاه راویان در رجال شیخ طوسی»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ۴، ش ۱۱، صص ۷۱-۹۰، ۱۳۹۲ش.
۳۳. قاسم‌پور، محسن، «مقایسه دیدگاه‌های رجالی ابن‌غضائری و نجاشی»، پژوهش‌های رجالی، ش ۳، صص ۸۷-۱۱۲، ۱۴۰۰ش.
۳۴. قربانی زرین، رضا، «دیدگاه‌های غضائری و ابن‌غضائری درباره مقامات امامان علیهم‌السلام با نگاهی انتقادی به قرائت غیر الهی از امامت»، امامت پژوهی، سال ۳، ش ۱۱، صص ۲۰۷-۲۳۴، ۱۳۹۲ش.
۳۵. کشی، محمدبن‌عمر، رجال الکشی، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، ۱۳۴۸ش.
۳۶. کلباسی، ابوالمعالی، سماء المقال فی علم الرجال، ج ۱، تهران: مکتبه الصدر، [بی‌تا].
۳۷. لواسانی، محمدرضا، نقش باورهای کلامی در داوری رجالیان متقدم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸ش.
۳۸. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام لإحياء التراث، ۱۴۲۳ق.
۳۹. مدرسی طباطبایی، محمدحسین، مکتب در فرآیند تکامل، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۰. مدیر‌شانه‌چی، کاظم، درایة الحديث، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۹۶ش.
۴۱. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، ۱۳۷۶ش.
۴۲. معارف، مجید؛ عسگری‌پرور، مریم، «ارزیابی رویکرد رجالی آیت‌الله بروجردی»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۳۳، صص ۱۰۹-۱۳۱، ۱۴۰۲ش.
۴۳. نجاشی، احمدبن‌علی، رجال النجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴۴. نیومن، آندره، مدرسه قم و بغداد: در اواخر قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری، قم: زائر - آستانه مقدسه، ۱۳۸۴ش.